

پیش بینی قرآن در مورد نابودی اسرائیل به پرچمداری ایرانیان

«اگر فلسطین را پرچم این جهاد بنامیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. امروز همه ی دنیای اسلام باید قضیه ی فلسطین را قضیه ی خود بدانند؛ این، کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می گشاید.»

آیت الله خامنه ای؛ سومین کنفرانس بین المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۲۵ فروردین ۱۳۸۵

همواره رهبران بزرگ اسلامی در دهه های اخیر وعده ی نابودی اسرائیل و امید به محو این رژیم منحوس را داده اند تا جایی که قضیه فلسطین را کلید رمز آلود درهای فرج برای امت اسلامی دانسته اند. در این قسمت از کتاب می‌خواهیم به بررسی برخی رموز اشاره شده در قرآن و تورات پیرامون نابودی اسرائیل توسط مسلمانان را واکشافی کنیم.

«جمهوری اسلامی ایران تا روزی که آرمان فلسطین به ثمر برسد، مصمم خواهد ایستاد و آن روز را جوانان قطعاً خواهند دید.»^۱

بررسی آیات ۱ تا ۸ سوره بنی اسرائیل

بیان این مطلب در قرآن که بنی اسرائیل دو مرتبه در زمین فساد می کنند و در مرتبه ی دوم، خداوند برای همیشه آنان را نابود می نماید.

خداوند متعال در قرآن کریم بارها به توطئه های بنی اسرائیل اشاره کرده و خباثت آنان را بیان نموده است؛ همچنین در آیات متعددی خداوند متعال به تقبیح اعمال آنان پرداخته است تا مسلمانان از اشتباهات و تخلفات آنان درس بگیرند و از معصیت و نافرمانی خودداری نمایند.

خداوند بزرگ در چندین آیه، آینده ی بنی اسرائیل را پیشگویی کرده و به آن ها در این مورد، هشدار داده است تا بنی اسرائیل تصور نکنند که می توانند تا ابد به زشتکاری های خود ادامه دهند.

نمونه ای از آیات مهم در رابطه با سرنوشت بنی اسرائیل، آیات ۴ تا ۸ سوره ی اسراء (بنی اسرائیل) می باشد:

- 4 } وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا }
- 5 } فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا }
- 6 } ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا }
- 7 } إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنْتُمْ وَأَخْسَنَكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَيُدْخِلُوا أَمْسِجِدًا كَمَا دَخَلُوا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا }

ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری‌جویی بزرگی خواهید نمود. (4) هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما میانگیزیم (تا شما را سخت در هم کوبند؛ حتی برای به دست آوردن مجرمان)، خانه‌ها را جستجو می‌کنند؛ و این وعده‌ای است قطعی! (5) سپس شما را بر آنها چیره می‌کنیم؛ و شما را به وسیله داراییها و فرزندان کمک خواهیم کرد؛ و نفرت شما را بیشتر (از دشمن) قرار می‌دهیم. (6)

اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید. و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، (انچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در صورتهایتان ظاهر می‌شود؛ و داخل مسجد (الاقصی) می‌شوند همان گونه که بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند، در هم می‌کوبند. (7)

امید است پروردگارتان به شما رحم کند! هرگاه برگردید، ما هم باز می‌گردیم؛ و جهنم را برای کافران، زندان سختی قرار دادیم. (8) همان گونه که ملاحظه می‌فرمایید، خداوند متعال در قرآن مجید، دو فساد بزرگ را برای بنی اسرائیل پیشگویی کرده است که بنابر گفته ی قرآن، این پیشگویی در تورات نیز آمده است. در این پیشگویی، خداوند متعال به بنی اسرائیل اعلام می‌دارد که آن‌ها دو مرتبه فساد بزرگی در جهان برپا می‌کنند.

در دفعه ی اول، بندگان پرصلابت خدا، بنی اسرائیل را به شدت تنبیه می‌نمایند و حتی به جستجوی خانه به خانه نیز می‌پردازند؛ سپس بنی اسرایی صاحب اموال و قدرت و جمعیت بسیاری می‌گردد و بر بندگان پرصلابت خدا (که قبلاً به آن اشاره کردیم)، چیرگی می‌یابد.

اما هنگامی که زمان وعده ی دوم خداوند متعال فرا می‌رسد، همان بندگان برگزیده ی خدا که در مرتبه ی اول، بنی اسرائیل را شکست داده بودند، در مرتبه ی دوم نیز بنی اسرائیل را شکست می‌دهند که این شکست به مراتب سنگین تر از شکست اول بوده و پرونده ی بنی اسرائیل را برای همیشه می‌بندد. شکست دوم، خود شامل چند مرحله است که در مرحله ی اول، صورت های بنی اسرائیل سیاه شده (به دلیل ترس و یا رسوایی)، سپس بندگان با صلابت خدا وارد مسجدالاقصی می‌شوند و در نهایت، هر چیز را که زیر سلطه ی خود می‌گیرند، در هم می‌کوبند.

اما سوالی که مطرح می شود این است که آیا این دو مرتبه ای که خداوند از آن ها نام می برد، تاکنون رخ داده اند؟

در این رابطه، نظرات مختلفی در بین عالمان دین وجود دارد که عبارتند از:

۱- عده ای ابراز می دارند که هر دو وعده ی خداوند در مورد بنی اسرائیل، سال ها قبل به حقیقت پیوسته است. این عالمان ارجمند ابراز می دارند که افرادی همچون « بخت النصر بابلی » در حدود ۲۶۰۰ سال پیش و « تیتوس رومی » در حدود ۲۰۰۰ سال پیش، حملات سختی علیه بنی اسرائیل انجام داده و در دو مرتبه آن ها را به سختی شکست دادند.^۲

۲- عده ای دیگر از علما اعتقاد دارند که هنوز دو کیفر بنی اسرائیل اتفاق نیفتاده است و احتمالاً در آینده رخ خواهد داد.^۳

۳- تعداد دیگری از علما معتقدند که ما در مرتبه ی اول فساد بنی اسرائیل هستیم و وقایع امروز فلسطین اشغالی نیز مربوط به مرتبه ی اول فساد بنی اسرائیل است.

۴- گروه دیگری از علما اعتقاد دارند که اولین مرتبه ی تنبیه بنی اسرائیل در تاریخ به دست مسلمانان به وقوع پیوسته است، اما هنوز تنبیه دوم بنی اسرائیل رخ نداده است.^۴

به نظر نگارنده کتاب، بنابر مستندات تاریخی و شواهد دیگر از احادیث وارد شده در تفسیر این آیات و همینطور آیات موجود در کتاب تورات و به تبع آن، وحشت بسیار زیاد صهیونیست ها از ملت ایران و حتی شروع تدریس زبان فارسی در مدارس ابتدایی اسرائیل (که در ادامه بحث، اخبار مرتبط را بازگو میکنیم)، سخن گروه چهارم علما صحیح است. (اگر خدا بخواهد)

پیش از آنکه وارد بررسی این ۴ دسته از نظریات شویم، باید متذکر شویم تاکنون کتابهای بسیار ارزشمندی در رابطه با نابودی اسرائیل با تکیه بر آیات ابتدایی سوره بنی اسرائیل نوشته شده که از جمله آنها کتاب «سقوط اسرائیل» به نویسندگی آقای مهدی حمدالفتلاوی که توسط آقای محمدباقر ذوالقدر به فارسی ترجمه شده و توسط انتشارات بوستان کتاب به چاپ رسیده است و یا کتاب ارزشمند «1401، سال سقوط اسرائیل» به نویسندگی حجت الاسلام سید عبدالله حسینی، دانش آموخته دانشگاه علوم اسلامی مشهد، دانشگاه المصطفی در ژوهانسبورگ و مدیر مرکز اسلامی آفریقای جنوبی، که به بررسی یک پیش بینی قرآنی بر اساس کشفیات

^۲ - تفسیر نمونه (نسخه الکترونیک)، تألیف آیت الله مکارم شیرازی، جلد ۱۲، صفحات ۲۸ و ۲۹

^۳ - کتاب عصر ظهور، تألیف علی کورانی عاملی، ترجمه مهدی حقی، ناشر: شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ چهارم، ۱۳۸۵، صفحه ۷۱

^۴ -

اعجاب انگیز استاد «بسام نهاد جرار» و استاد «ماجد المهدی» می‌پردازد و در این کتاب با استدلال‌هایی بر اساس آیات قرآن و علم اعداد، حتی سال سقوط اسرائیل نیز با استفاده از علوم غیبی و ۳۷ محاسبه دقیق ریاضی، پیش بینی شده است.^۵ (اگر خدا بخواهد)

البته اگر روزی این اتفاق در این تاریخ رخ ندهد نقضی متوجه قرآن نخواهد بود.

به منظور اثبات صحت نظریه ی گروه چهارم، قبل از هر چیز بهتر است به برخورد نظامی مسلمانان و بنی اسرائیل در طول تاریخ در منطقه ی بیت المقدس، و تطبیق این برخوردها با آیات قرآن بپردازیم: به احتمال زیاد، اولین مرتبه ی تنبیه یهودیان در صدر اسلام و در سال ۱۷ هجری قمری اتفاق افتاده است که در طی آن، مسلمانان توانستند بیت المقدس را فتح نمایند و کنترل این شهر را در دست گیرند.^۶ از آن زمان تا اواسط قرن بیستم میلادی، مسلمانان همواره بر این شهر و یهودیان مستقر در آن تسلط داشته اند. البته از صدر اسلام تا قرن بیستم، در چندین نوبت در زمان جنگ های صلیبی، شهر بیت المقدس بین صلیبیان و مسلمانان دست به دست می شد؛ اما تسلط صلیبیان بر بیت المقدس، در زمان کوتاهی رخ داده و به سرعت این شهر توسط مسلمانان پس گرفته می شده است. به همین دلیل می توان گفت که شهر بیت المقدس از صدر اسلام تا اواسط قرن بیستم عملاً تحت تسلط مسلمانان بوده است.

اما در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، یهودیان کم کم قدرتمند گشته و صاحب اموال فراوان و نفوذ بسیار زیاد در دستگاه های حکومتی کشورهای اروپایی شدند. همچنین جمعیت یهودیان در سراسر دنیا رو به افزایش گذاشت. با تلاش های خانواده ی یهودی مکار و ثروتمند راجیلد (Rothschild) در اروپا و حمایت محافل فراماسونری و صهیونیستی در اروپا و آمریکا، پروژه ی تأسیس اسرائیل آغاز شد و تئودور هرتزل به عنوان تئوریسین، به معرفی این پروژه به عنوان یک ایده ی اعتقادی-سیاسی پرداخت.

با تحرکات مذکور و حمایت دولت های غربی، مهاجران یهودی صهیونیست از نقاط مختلف جهان به اسرائیل آمدند و کم کم به وسیله ی ترور و اختناق و وحشی گری، فلسطین را به اشغال خود درآوردند. وقایع ذکر شده، با پیشگویی خداوند در این مورد که بنی اسرائیل صاحب اموال و قدرت فراوانی شده و بر قومی که قبلاً بر آن ها (بنی اسرائیل) تسلط داشتند، مسلط می گردند، مطابقت دارد؛ زیرا بنی اسرائیل با این که قرن ها تحت تسلط مسلمانان بودند، سرانجام بر مسلمانان تسلط یافتند. به همین دلیل، عده ای از علما و محققین مسلمان، اعتقاد دارند که ما در دوره ای هستیم که در طی آن بنی اسرائیل بر مسلمانان تسلط یافته اند و در

^۵ - شایان ذکر است که کتاب «۱۴۰۱، سال سقوط اسرائیل» توسط انتشارات علوم و فنون رازی در سال ۱۳۹۱ در ۱۶۳ صفحه انتشار یافته است.

^۶ - کتاب عصر ظهور، تالیف علی کورانی عاملی، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، ص ۹۶

نتیجه باید در آینده منتظر تسلط مسلمانان بر بنی اسرائیل باشیم.

البته بعد از پیروزی حزب الله بر اسرائیل در جنگ سال ۲۰۰۶ میلادی، عده ای از محققین معتقدند که ما در حال عبور از مرحله ی سلطه ی بنی اسرائیل بر مسلمانان هستیم؛ زیرا حزب الله با مقاومت خود توانست چهره های اسرائیلیان را از ترس سیاه نماید و اسرائیلی ها نیز با جنایات بی شمارشان علیه غیر نظامیان لبنانی و فلسطینی، چهره ی پلید خود را به جهانیان نشان دادند. این روند افول اسرائیل در جنگ های ۲۲ روزه ی غزه در سال ۲۰۰۹ و ۸ روزه در سال ۲۰۱۲ و نهایتاً جنگ ۵۱ روزه سال ۲۰۱۴ به وضوح کامل شاهد هستیم. تا جایی که اسرائیل نه تنها نتوانست نیروی مقاومت فلسطین را خلع صلاح کند، شکست سختی را متحمل شد و در پی کشتار وحشیانه زنان و کودکان فلسطینی، اوج نفرت جامعه جهانی نسبت به اسرائیل بوجود آمد. به همین دلیل، به احتمال زیاد ما در دوره ای هستیم که قرآن از آن به عنوان «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ» هنگامی که وعده دوم فرا رسد، آثار غم و اندوه در صورتهایتان ظاهر می شود.» یاد می نماید.

از این مطالب می توان نتیجه گرفت که ما ان شاء الله در چند قدمی آزادی مسجدالاقصی و وعده ی تنبیه دوم بنی اسرائیل واقع شده ایم؛ زیرا خداوند در ادامه می فرماید:

«وَلْيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ : و داخل مسجد (الاقصی) می شوند، همان گونه که بار اول وارد شدند.»
«این وعده ای است که قطعاً محقق خواهد شد.»

با توجه به شواهد تاریخی فوق، می توان نظریه ی گروه چهارم علما را صحیح تر دانست.

علاوه بر دلایل مذکور، شواهد دیگری هستند که نظریه ی گروه چهارم را تأیید می نمایند. این شواهد عبارتند از:
۱- کلمه «بعثنا» هفت بار در قرآن آمده، پنج بار برای پیغمبران، یک بار برای نقباء بنی اسرائیل و یک بار هم برای جماعتی که خداوند آنها را برای مجازات بنی اسرائیل برمی گزیند.

این که کلمه «بعثنا» در قرآن برای پیغمبران و کسانی شبیه آنها به کار رفته و برای کفار و غیرمومنان استفاده نشده، بدین معناست که کسانی برای مجازات بنی اسرائیل برگزیده خواهند شد که از مومنان مجاهدند و نه از کافران و «لام» اختصاص در جمله «عبادا لنا» «بندگانی از خودمان» دلیل روشنی است که آنها از بندگان خالص خدا بوده و ایمانشان به کفر و شرک و نفاق آمیخته نیست.

خداوند متعال در این آیات از اصطلاح «عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بِأْسِ شَدِيدٍ»: بندگانی از خود را که سخت نیرومندند»، استفاده کرده است که اصطلاحی مثبت است و نشان می دهد که این بندگان خدا که یهودیان را تنبیه می کنند، انسان هایی صالح و نیکو می باشند؛ زیرا اگر بندگان نامبرده، انسان هایی خونریز و سفاک بودند (مانند لشکر بخت النصر یا تیتوس)، خداوند اصطلاح «بندگان سفاک و خونریز» را برای آن ها به کار می برد، نه «بندگان نیرومند خود».

و جالب است بدانید بخت النصر که از جبارترین، ستمکارترین و خونخوارترین پادشاهان دنیا به شمار می آمد که مادرش که او را در اثر رابطه پنهانی با مردی حامله شده بود، پس از به دنیا آوردن فرزندش، او را از خود جدا و به کنار بتی سنگی در میان شهر بابل به نام نصر رها کرد تا کسی از وجود کودکش آگاهی نداشته باشد. از قضا؛ کودک زنده ماند و به مدت یک سال توسط ماده سگی تغذیه کرد. تغذیه او از شیر سگ سبب می شود تا از نظر روحی، از دنیای آدمیان به کنار رود و از نظر قوای جسمی بسیار نیرومند گردد و نمیتواند مشمول صفت بسیار مثبت «عَبَادًا لَّنَا» باشد.

بدین ترتیب نتیجه می شود که تنها مسلمانان با ایمان می توانند با عبارت «عَبَادًا لَّنَا» مطابقت داشته باشند.

۲- در آیات مذکور، ذکر شده است که تنبیه اول و دوم یهود توسط یک گروه از بندگان خدا صورت می گیرد که این مسأله تنها بر مسلمانان منطبق است؛ این در حالی است که سایر سرکوبگران یهود از جمله بخت النصر، تیتوس و ... هر کدام فقط یک بار به سرکوب یهودیان ساکن اورشلیم پرداخته اند و این مسأله با آیات قرآن مطابقت ندارد؛ زیرا بخت النصر فقط یک بار به طور جدی به اورشلیم (بیت المقدس) حمله کرد و تیتوس هم یک بار. بدین ترتیب در این جا نیز فرضیه ی گروه های اول و دوم و سوم رد می شود.

۳- قرآن ذکر می کند که بنی اسرائیل بعد از تنبیه اول، بر تنبیه کنندگان موقتاً غلبه می کنند و این غلبه ی بنی اسرائیل بر تنبیه کنندگان، تا زمان تنبیه دوم بنی اسرائیل ادامه دارد. این مطلب نیز بر مسلمانان انطباق دارد، نه بخت النصر بابلی و تیتوس رومی؛ زیرا بنی اسرائیل نتوانستند بعد از شکست از بخت النصر و تیتوس، بر این دو پادشاه مسلط شوند «گرچه توانستند سرزمین خودشان را پس بگیرند»

در این میان، تنها مسلمانان بوده اند که در طول تاریخ و در طی ۱۴ قرن بر یهودیان تسلط داشتند و یهودیان نتوانستند در قرن اخیر بر مسلمانان تسلط یابند؛ این شکست بنی اسرائیل از یک گروه و سپس تسلط بنی اسرائیل بر همان گروه را نیز تنها می توان بر مسلمان تطبیق داد.^۷

۴- از دلایل دیگری که می توان در تأیید نظر گروه چهارم ذکر کرد، این است که خداوند در این آیه از دو فساد بزرگ بنی اسرائیل در طول تاریخ نام می برد و برای مدت زمانی که این فسادها در آن رخ می دهد، هیچ محدوده ای را نیز تعیین نکرده است.

با توجه به اینکه قرآن، مجازات افساد اول بنی اسرائیل را با تعبیر «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا» (چون زمان اولین افساد فرا رسید) ذکر کرده بود، انتظار می رفت که برای مجازات افساد دوم از تعبیر «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ ثَانِيَهُمَا» «چون زمان

^۷ - کتاب عصر ظهور، تالیف علی کورانی عاملی، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، ص ۹۶

دومین افساد فرا رسید) و یا به جای ثانیهما، اخریهما (افساد دیگر) استفاده شود، اما برخلاف این تصور، قرآن فرموده است: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ» (چون زمان افساد پایانی فرا رسد).

حال اگر به نظر گروه هایی که می گویند هر دو فساد بنی اسرائیل قبلاً رخ داده و یا گروه هایی که می گویند فسادهای مذکور هنوز رخ نداده است توجه کنیم، این سوال مهم پیش می آید که بالاخره این فساد بزرگ بنی اسرائیل در زمان ما (قرون ۲۰ و ۲۱ میلادی) مربوط به کدام فساد می شود؟ که اگر بیشتر دقت کنیم در همه جای جهان وقتی آتش افروزی و جنگی میبینیم شاهد ردپا و حمایت های صهیونیست ها هستیم. کشتار مردم مظلوم غزه و لبنان و سوریه و عراق و میانمار و..... نمونه هایی از جنایات وحشیانه ی صهیونیست هاست.

از طرف دیگر صهیونیست ها و فراماسون ها تا کنون بیشترین تلاش را در جهت ترویج فساد، بی اخلاقی و تباهی در جهان را از طریق رسانه های خود داشته اند. نمونه اش «رابرت مرداک» که یک صهیونیست یهودی که به شیطان رسانه های جهان معروف است و تعداد زیادی از مجلات و شبکه های معروف خبری و پورنو تحت مالکیت او فعالیت میکنند که در فصل های بعدی کتاب به معرفی بیشتر شخصیت و عملکرد او میپردازیم.

آیا ممکن است خداوند دو فساد بزرگ را برای بنی اسرائیل ذکر کند، اما فساد عصر حاضر که بزرگترین فساد بنی اسرائیل در طول تاریخ است، جزء فسادهای مذکور نباشد؟ مطمئناً جواب این سوال خیر است و فساد عصر حاضر بنی اسرائیل، همان فساد بزرگ بنی اسرائیل در مرتبه ی دوم است که به حول و قوه ی الهی توسط مسلمانان سرکوب خواهد شد.

لازم به ذکر است که علاوه بر شواهد ذکر شده در بالا، بعضی از روایات معصومین (ع) نیز نظریه ی گروه چهارم علما را تأیید می نمایند و مسلمانان را تنبیه گر بنی اسرائیل می دانند. شگفت این که با توجه به متن این روایات، تنبیه گران بنی اسرائیل در مرتبه ی دوم و آخر، حضرت مهدی (عج) و یاران گرانقدرشان می باشند. در این قسمت از مقاله، روایاتی از معصومین (ع) را در رابطه با آیات ابتدایی سوره ی اسراء نقل می کنیم: در تفسیر عیاشی از امام باقر (ع) روایت شده که حضرت بعد از آن که آیه ی شریفه ی «عِبَاداً لَنَا أُولَىٰ بِأَسَىٰ شَدِيدٍ» را قرائت نمود، فرمود:

« مراد از این آیه، حضرت قائم (عج) و یاران اوست که نیرومند و دارای صلابت می باشند. »^۸

^۸ - کتاب عصر ظهور، تالیف علی کورانی عاملی، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، ص ۷۱ (به نقل از تفسیر عیاشی)

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند نمی میرد تا آنکه زمان قائم آل محمد علیه السلام را درک کند و از یاران او بشود.» البرهان فی تفسیر القرآن مترجم ج ۸ ص ۲۱۵

از این روایت نیز میتوان فهمید که پیوندهایی بین سوره بنی اسرائیل و وقایع شرح داده شده در این سوره و یاران حضرت قائم (عج) برقرار میباشد.

و نیز در تفسیر نور الثقلین، از کتاب روضه ی کافی از امام صادق (ع) نقل شده که آن حضرت در تفسیر آیه ی شریفه ی فوق فرمود:

« خداوند قبل از خروج حضرت قائم (عج)، قومی را برانگیزد که دشمنی از دشمنان آل محمد (ص) را رها ننموده، مگر این که او را به هلاکت می رسانند.»^۹

و در کتاب بحار الانوار، از امام صادق (ع) روایت شده که وقتی این آیه را قرائت فرمود، عرض کردیم: فدایت گردیم آنها چه کسانی هستند؟

امام سه بار فرمود:

«آنان به خدا سوگند اهل قم می باشند؛ آنان به خدا سوگند اهل قم میباشند؛ آنان بخدا سوگند اهل قم می باشند»^{۱۰}

از طرف دیگر وارد شده که روزی پیامبر (ص) از ائمه خاندان خود برای سلمان صحبت می فرمود، وقتی به نام

حضرت مهدی (ع) رسید، سلمان برای شناخت و دیدار او بی تابی کرد؛ پیامبر (ص) به او فرمود:

«تو و کسانی همچون تو و هر کس که او را با حقیقت ایمان دوست بدارد، او را درک خواهد نمود.»

سلمان گفت: خدا را بسیار شکر کردم و گفتم: ای رسول خدا! آیا من تا زمان او زنده خواهم ماند؟

پیامبر (ص) پاسخ مستقیمی به این سوال نداد و این آیه را تلاوت فرمود:

«پس آنگاه که وعده نخستین آن دو (فساد) فرا رسد بندگان از خود را که جنگاورانی نیرومندند بر شما

برانگیزیم تا (برای تعقیب شما) داخل خانه ها را جستجو کنند و این وعده انجام شدنی است.»

تفسیر البرهان ۸۰۹۶/۳۲۰/۷، دلائل الائمة ۴۲۴/۴۴۷، بحار الانوار ۹/۹/۱۵، المحجة ۱۶۸

از این گفتگو فهمیده می شود که پیامبر (ص) از نسل های مجاهدی از قوم سلمان سخن می گفته است که از

مشرق زمین به پا می خیزند و زمینه استقرار حکومت حضرت مهدی (ع) را فراهم می نمایند و مصداق این

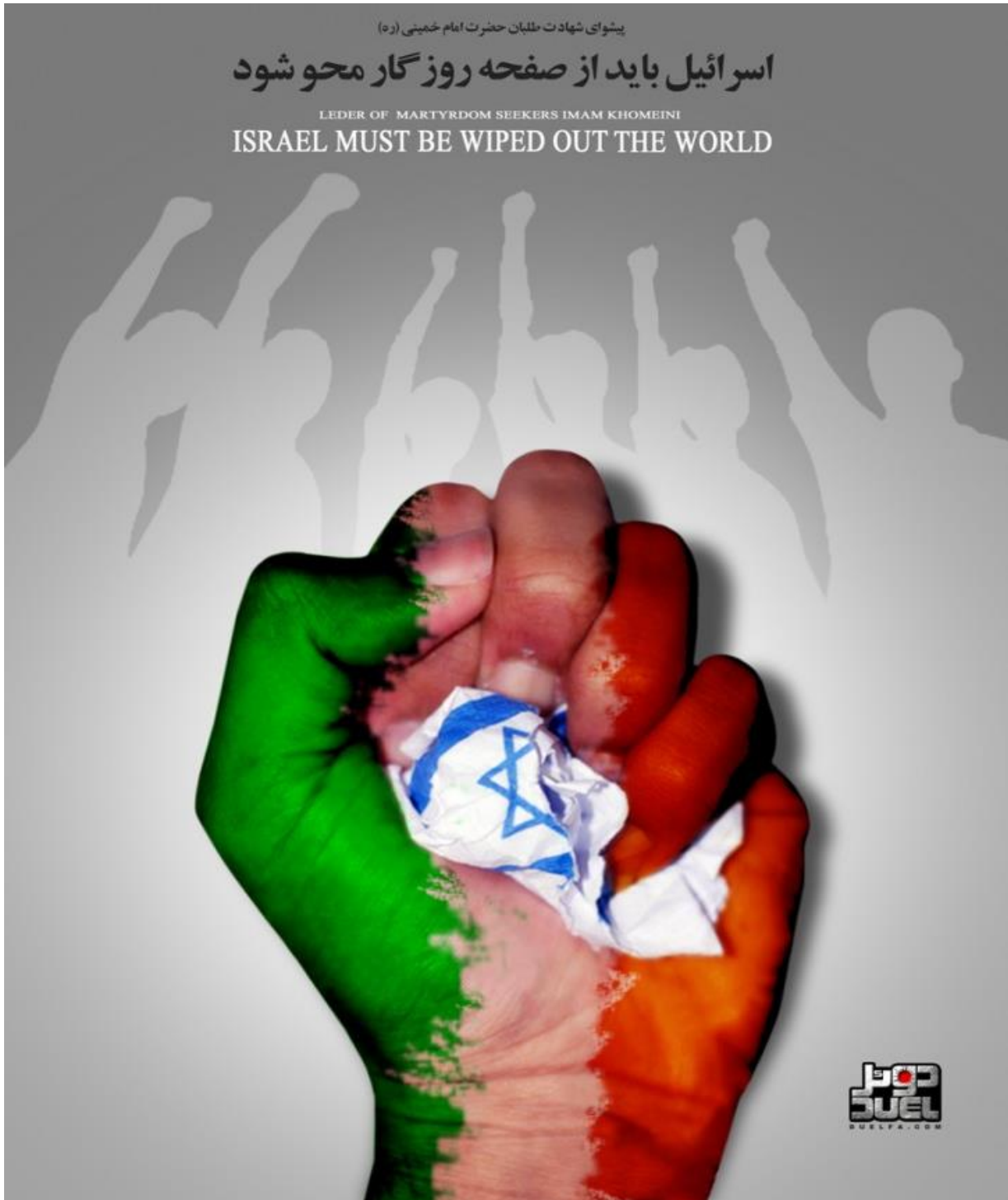
^۹ - کتاب عصر ظهور، تالیف علی کورانی عاملی، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، ص ۷۱ (به نقل از تفسیر عیاشی)

^{۱۰} - کتاب عصر ظهور، تالیف علی کورانی عاملی، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، ص ۷۱ (به نقل از بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶)

حدیث شریف نبوی هستند که فرمود:

«جماعتی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه را برای حکومت مهدی (ع) فراهم می نمایند.»

سنن ابن ماجه ۴۰۸۸/۲؛ البدء و التاريخ ۱۷۴/۲؛ مجمع الزوائد ۳۱۸/۷؛ الحاوی للفتاوی ۶۰/۲ و نهاییه البدایه ۴۱/۱



بدین ترتیب با توجه به مطالب فوق، به نظر می رسد که ما در دوره ی حساسی از تاریخ واقع شده ایم که بیش از پیش نوید نزدیکی ما را به ظهور آقا امام زمان (عج) می دهد؛ چرا که بنابر پیشگویی قرآن، بعد از تسلط بنی اسرائیل بر مسلمانان، این مسلمانان هستند که به کمک پیشوای مقدس خود حضرت مهدی (عج) برای آخرین بار به تنبیه بنی اسرائیل می پردازند و برای همیشه آنان را منزوی میگردانند.

عصر ما نیز که عصر تسلط بنی اسرائیل بر مسلمانان و حتی جهان است، بی تابانه منتظر منجی جهان است تا شرفتنه های قوم فاسد بنی اسرائیل را از جهان کم کند.

ذکر یک نکته ی مهم: علاوه بر نکاتی که ذکر شد، باید به این نکته اشاره کرد که عبارت *وَعْدُ الْآخِرَةِ* در آیات ابتدایی سوره ی اسراء، به معنای زمان تنبیه دوم بنی اسرائیل توسط خداوند است و به معنای روز قیامت و یا جهان آخرت نیست. زیرا خداوند در این آیه، موضوع حمله ی گروهی از بندگان خود را به بنی اسرائیل مطرح می کند، حال آن که همگی به خوبی می دانیم در روز قیامت چنین اتفاقاتی هرگز رخ نمی دهد. دانستن این مطلب از آن جهت حایز اهمیت است که قرآن کریم در مورد بنی اسرائیل، در آیات دیگری نیز عبارت *وَعْدُ الْآخِرَةِ* را به کار می برد. با توجه به این که در آیه ی ۷ سوره ی اسراء، عبارت *وَعْدُ الْآخِرَةِ* به معنای زمان آخرین تنبیه بنی اسرائیل است، به نظر می رسد که در آیات دیگری که در رابطه با سرنوشت بنی اسرائیل بیان شده نیز عبارت مذکور (*وَعْدُ الْآخِرَةِ*) به معنای زمان تنبیه بنی اسرائیل است، نه روز قیامت.

در نهایت می توان چنین نتیجه گرفت که خداوند متعال در قرآن کریم، آینده ی قوم بنی اسرائیل را پیشگویی کرده و به این ترتیب به این قوم فاسد هشدار داده است تا فکر نکنند که تا ابد می توانند به فساد و زشتکاری های خود ادامه دهند؛ چرا که بنا به گفته ی قرآن، عاقبت بنی اسرائیل، نابودی به دست بندگان خاص خداوند (مسلمانان) خواهد بود.

البته منظور از بنی اسرائیل در این جا، صرفاً قوم بنی اسرائیل نیست؛ بلکه شامل فراماسونری و صهیونیسم نیز که فرزندان خلف بنی اسرائیل هستند نیز می شود؛ چرا که نقشه ها و اهداف این گروه های فاسد نیز همجهت با منافع شوم بنی اسرائیل است.

با دقت در آیات ۱ تا ۸ سوره ی اسراء درمی یابیم که مسلمانانی که در دوره ای تحت سلطه ی بنی اسرائیل قرار گرفته اند، در نهایت با قیام مهدی موعود (عج) و یارانش، بنی اسرائیل را برای همیشه سرکوب می کنند؛ این وعده ی بزرگ الهی، تهدیدی ترسناک برای قوم ظالم بنی اسرائیل، و وعده ای شیرین برای مسلمانان مستضعف می باشد.

و اما شاید این سوال به ذهن بیاید که آیا ما فقط با رژیم صهیونیستی مشکل داریم و تنها نظام حکومتی در سرزمینهای اشغالی را موجب فساد میدانیم و با مردم و ساکنین در آنجا مشکلی نداریم و آنها مایه ی فساد نیستند؟!؟

جواب این سوال در این چند جمله ی رهبر معظم انقلاب خلاصه میشود که فرمودند:

« یک نفر پیدا میشود درباره ی مردمی که در اسرائیل زندگی میکنند، اظهار نظری میکند. البته این اظهار نظر، اظهار نظر غلطی است. اینی که گفته شود ما با مردم اسرائیل هم مثل مردم دیگر دنیا دوستیم! این حرف درستی نیست؛ حرف غیرمنطقیای است. مگر مردم اسرائیل کیهانند؟ همان کسانی هستند که غصب خانه، غصب سرزمین، غصب مزرعه، غصب تجارت به وسیله ی همین ها دارد انجام میگیرد. سیاهی لشکر عناصر صهیونیسم، همین هانند. نمیشود ملت مسلمان نسبت به افرادی که اینجور عامل دست دشمنان اساسی دنیای اسلام هستند، بیتفاوت باشد. نه، ما با یهودیها هیچ مشکلی نداریم، با مسیحیها هیچ مشکلی نداریم، با اصحاب ادیان در دنیا هیچ مشکلی نداریم؛ اما با غاصبان سرزمین فلسطین چرا؛ مشکل داریم. غاصب هم فقط رژیم صهیونیستی نیست. این موضع نظام است، این موضع انقلاب است، موضع مردم است.»^{۱۱}

جالب است بدانیم برخی از یهودیان حق طلب و پیروان پیامبر الهی، حضرت موسی (علیه السلام)، در نقاط مختلف جهان علیه رژیم صهیونیستی فعالیتهای گسترده ای انجام میدهند و با اعمال شیطانی این رژیم، کاملاً مخالف اند و این رژیم را کاملاً پیرو شیطان میدانند، نه حضرت موسی (ع).

پس بدانیم که تنها رژیم صهیونیستی و حامیان آن، محکوم به زوال و نابودی هستند و

«این تقدیر خداوند است که فلسطین آزاد خواهد شد فلسطین آزاد خواهد شد؛ در این هیچ شبهه ای نداشته باشید. فلسطین قطعاً آزاد خواهد شد و به مردم بر خواهد گشت و در آنجا دولت فلسطینی تشکیل خواهد شد؛ در اینها هیچ تردیدی نیست»^{۱۲}

« یک جمله راجع به رژیم صهیونیستی عرض بکنیم؛ بعد از اتمام این مذاکرات هسته ای، شنیدم صهیونیستها در فلسطین اشغالی گفتند فعلاً با این مذاکراتی که شد، تا ۲۵ سال از دغدغهی ایران آسوده ایم؛ بعد از ۲۵ سال فکرش را میکنیم. بنده در جواب عرض میکنم اولاً شما ۲۵ سال آینده را نخواهید دید. ان شاء الله تا ۲۵ سال

^{۱۱} - خطبه های نماز جمعه تهران - ۲۶ شهریور ماه ۱۳۸۷

^{۱۲} - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در افتتاحیه ی همایش غزه - ۱۳۸۸/۱۲/۸

دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت؛ ثانیاً در همین مدت هم روحیه‌ی اسلامی مبارز و حماسی و جهادی، یک لحظه صهیونیست‌ها را راحت نخواهد گذاشت؛ این را بدانند.»^{۱۳}

پیش بینی تورات در باره نابودی اسرائیل

در آیات ۴۹،۵۰ و ۵۱ باب ۲۸ در کتاب ثنیه در مورد قومی سخن آورده شد که عامل نابودی بنی اسرائیل اند. در بخشی از این آیات می‌خوانیم: «خداوند قومی را از دور دست‌ها به سراغتان خواهد فرستاد، قومی که زبانشان را نمی‌فهمید..... تمام شهر هایتان را محاصره خواهند کرد و دیوارهای بلند و محکم آن‌ها را فرو خواهند ریخت، همان دیوارهایی که فکر میکردید از شما محافظت خواهد کرد.»

می‌کردید از شما محافظت خواهد کرد.³³ بر آن روزهای سخت محاصره، حتی گوشت پسران و دخترانتان را هم خواهید خورد.³⁴ تجیب‌ترین و دلسوزترین مرد، حتی به برادر خود و زن محبوب خویش و بچه‌هایش که هنوز زنده هستند ترحم نخواهد کرد،³⁵ و از دادن قطعه‌ای از گوشتی که می‌خورد یعنی گوشت فرزندانش به آنها امتناع خواهد کرد، چون بخاطر محاصره شهر چیزی برای خوردن ندارد.³⁶ ظریفترین و لطیفترین زن که رعیت نمی‌کرد حتی نوک پایش را به زمین بگذارد، حاضر نخواهد بود از آنچه می‌خورد به شوهر و فرزندان محبوبش بدهد. جفت نوزاد و کودکی را که تازه بنیاد آورده، از ایشان مخفی خواهد ساخت تا خودش به تنهایی آنها را بخورد. چنین خواهد بود وحشت گرسنگی و پریشانی در زمینی که دشمنان، شما را محاصره کنند.³⁷³⁸ لکن از اطاعت کلیه قوانینی که در این کتاب نوشته شده سرپیچی کنید و از احترام گذاشتن به نام مجید و مهیب خداوند، خدایتان امتناع ورزید، نگاه خداوند بر شما و فرزندانتان بلاهای سخت و امراض غیرقابل علاج خواهد فرستاد.³⁹ خداوند، شما را به تمام امراضی که در مصر از آنها می‌ترسیدید دچار خواهد کرد و علاجی نخواهد بود.⁴⁰ خداوند هر گونه بیماری و بلایی را که وجود دارد، حتی آنهایی را که در این کتاب اسمی از آنها برده نشده به سراغ شما خواهد فرستاد تا نابود شوید.⁴¹ لکن چه قبلاً به اندازه ستارگان آسمان، بی‌شمار بودید، تعداد کمی از شما باقی خواهند ماند، زیرا از خداوند، خدایتان اطاعت نکردید.⁴² همانطور که خداوند از لسان کردن و افزودن شما شادی کرده است، همانگونه نیز در آنوقت از نابود کردن شما خوشحال خواهد شد و شما از سرزمینی که تصرف می‌کنید ریشه کن خواهید گشت.⁴³ خداوند، شما را در میان تمامی ملتها از یک گوشه عالم تا گوشه دیگر پراکنده خواهد ساخت. در آنجا خدایان دیگر را که نه خود می‌شناختید و نه پدرانتان، پرستش خواهید کرد، خدایانی که از چوب و سنگ ساخته

وضعتان هراسان خواهند شد و شما در میان قومها رسوا و انگشت‌نما خواهید بود.⁴⁴ سیلر خواهید کاشت، ولی اندک خواهید دروید، چون ملخها محصولات را خواهند خورد.⁴⁵ تاکستانها عرس کرده، از آنها مراقبت خواهید نمود، ولی از انگور آنها نخواهد خورد و از شراب آنها نخواهد نوشید، زیرا کرم، درختان را از بین خواهد برد.⁴⁶ در همه جا درختان زیتون خواهند رویید، ولی از آنها روغنی بدست نخواهد آورد، چون میوهشان قبل از رسیدن خواهد ریخت.⁴⁷ پسران و دختران خواهید داشت، اما آنها را از دست شما خواهند ربود و به اسارت خواهند برد.⁴⁸ ملخها، درختها و محصولات شما را نابود خواهند کرد.⁴⁹ غریبانی که در میان شما زندگی می‌کنند روزبروز ثروتمندتر خواهند شد و شما روزبروز فقیرتر.⁵⁰ آنها به شما قرض خواهند داد، نه شما به آنها. ایشان ارباب خواهند شد و شما نوکر.⁵¹ تمامی این لعنتها بر سرتان خواهد آمد تا نابود شوید، زیرا نخواستید از خداوند، خدایتان اطاعت کنید و از دستوراتش پیروی نمایید.⁵² همه این بلایا که دامنگیر شما و فرزندانتان می‌شود، درس عبرتی برای دیگران خواهد بود.⁵³ چون در زمان فراوانی، خداوند را با شادی و خوشی خدمت نکردید،⁵⁴ پس او دشمنانتان را بر شما مسلط خواهد کرد تا در گرسنگی و تشنگی، برهنگی و بیچارگی، آنها را بندگان نامید. یوغی آهنین برگردن شما خواهد بود تا وقتی که نابود شوید.⁵⁵ خداوند قومی را از دور دستها به سراغتان خواهد فرستاد، قومی که زبانشان را نمی‌فهمید. ایشان مثل عقاب بر شما فرود خواهند آمد.⁵⁶ این قوم درندخواه، نه به پیران شما رحم خواهند کرد و نه به جوانانتان.⁵⁷ آنها گله و محصولات را خواهند خورد و شما از گرسنگی خواهید مرد. نه غله‌ای برای شما باقی خواهد ماند، نه شراب تازمای و نه روغن زیتونی، نه گوساله‌ای و نه بره‌ای.⁵⁸ تمام شهرهایتان را محاصره خواهند کرد و دیوارهای محکم و بلند آنها را فرو خواهند ریخت، همان دیوارهایی که فکر

در این آیات سخن از قومی است که از ناحیه ی خداوند به مانند عقاب بر بنی اسرائیل حمله میکنند و سخن از دیوار ها در میان است، دیوار هایی که بنی اسرائیل گمان میکنند محافظی برایشان خواهد بود...

جالب اینجاست که اگر نگاهی به تیترا اخبار در چند سال اخیر بیاندازیم، به وضوح شاهدیم که چطور صهیونیست ها برای در امان ماندن از حملات احتمالی چطور با هزینه ها و بودجه های هنگفتی در حال دیوار کشیدن به دور خود هستند! تیتراهای خبری شامل:

- ✓ نتانیاهو از ساخت دیوار حائل در بلندیهای جولان خبر داد
- ✓ طرح رژیم صهیونیستی برای ساخت دیوار حائل در بلندی های جولان
- ✓ رژیم صهیونیستی ساخت دیوار حائل در مرز لبنان را آغاز می کند
- ✓ ساخت دیوار حائل در مرز لبنان و رژیم صهیونیستی
- ✓ اسرائیل ساخت دیوار حائل را از سرگرفت
- ✓ ساخت دیوار حائل در مرز اردن- رژیم صهیونیستی در میان دیوارها

حال نظرتان چیست که بدانید ۱۴۰۰ سال پیش نیز در قرآن، این خصلت بنی اسرائیل افشا شده که :

« لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ » سوره حشر، آیه ۱۴:

« اینها (یهودیان) دسته جمعی با شما نمی جنگند مگر در داخل قریه های محکم و یا از پس دیوارها(خود را پنهان سازند). جنگشان میان خودشان سخت است، تو آنان را متحد میبینی ولی دلهایشان پراکنده است و این بدان جهت است که مردمی بی تعقل هستند.»

گفتنی است استفاده از فعل مضارع در ادبیات عرب نشان از استمرار دارد.

می بینیم قرآن بسیار روان و صریح از این سخن می گوید که یهودیان قدرت نبرد مستقیم ندارند و خودشان را پشت دیوار های بلند مخفی می کنند. و با اینکه شما در ظاهر فکر میکنی آن ها با هم متحدند ، در واقع این طور نیست و آنها با هم اختلافات جدی دارند و دلهایشان پاره پاره است (و برای تو اینگونه وانمود می کنند که با هم مشکل و اختلافی ندارند).

جالب است بدانیم که اختلافات بسیار زیاد بین یهودیان «اشکنازی» و «سفارادیم» انکارنا پذیر است و حتی بین یهودیان ارتودوکس (مذهبی) و لاییک اختلافات شدید و جدی در ادامه سیاست های جنگ طلبانه رژیم صهیونیستی و حتی برنامه های اقتصادی این رژیم جعلی وجود دارد.

اخیرا اخبار این اختلاف ها درز کرده و ما شاهد دو رقمی شدن خود سوزی ها در اسرائیل هستیم ،خود سوزی هایی در اعتراض به اختلافات طبقاتی بین اشکنازی ها (یهودیان غربی) و سفارادیم (غیر غربی) و دیگر موارد است. فشار روانی که فرد را به انتخاب زجرآور ترین نوع مرگ یعنی خود سوزی کشانده است.

اگر مجدداً در آیه ی ۴۹ تشبیه تورات بنگریم، خبر از حمله ی قومی از سوی خداوند میدهد که **بنی اسرائیل**

زبان آنها را نمی فهمند. اگر برآیند مطالب گفته شده و پیش بینی های قرآن و تورات را در کنا هم قرار دهیم، کدام قوم یا ملت وظیفه ی نابودی اسرائیل را دارند؟ حدستان درست است. ایرانیان قوم وعده داده شده ی الهی برای نابودی اسرائیل هستند. حال تعجب نکنید که اسرائیل از وحشت این موضوع، در سالهای اخیر از مقطع آموزشی ابتدایی شروع به تدریس زبان فارسی کند تا بلکه با توجه به آیات تورات، آن قومی که خداوند برای نابودی شان وعده داده ،ایرانیان نباشند!

کافی است فقط عبارت «آموزش زبان فارسی در مدارس اسرائیل» را در فضای مجازی سرچ کنید تا انبوهی از اخبار در این زمینه را مشاهده کنید. به یکی از این اخبار منتشر شده در شهریور ۱۳۹۰، توجه فرمائید:

« **به گزارش گروه بین الملل مشرق**، سازمان اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی معروف به "امان" از وزارت آموزش این رژیم خواست آموزش زبان فارسی را به عنوان یک ماده درسی در مدارس این رژیم تدریس شود. "دافنه لیلال" گزارشگر شبکه دو تلویزیون رژیم صهیونیستی گزارش داد که سازمان اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی (امان) که از کمبود نیروی انسانی رنج می برد، از وزارت آموزش این رژیم خواست آموزش زبان فارسی را به عنوان یک ماده درسی و از همان پایه اول در مواد درسی این رژیم جای دهد.

گزارشگر شبکه دو تلویزیون رژیم صهیونیستی در ادامه گزارش خود گفت که این پیشنهاد سازمان اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی با استقبال وزارت آموزش و پرورش این رژیم مواجه شده است.

اولین شهری که با ایده آموزش زبان فارسی در مدارس موافقت کرد، شهر بئر السبع بود که حرکت بزرگی را برای آموزش زبان فارسی آغاز می کند و اگر این طرح با موفقیت مواجه شود، در سراسر رژیم صهیونیستی به اجرا در می آید.

قرار است، این رشته در دانشگاه های رژیم صهیونیستی هم تدریس شود و فارغ التحصیلان این رشته مستقیماً به

استخدام امان در خواهند آمد؛ البته این استخدام اختیاری خواهد بود؛ اما کسانی که به عنوان کارشناس زبان فارسی وارد امان شوند از امتیازات بسیاری برخوردار خواهند شد، چون این افراد خواهند توانست مشکلات اساسی بسیاری را که طی سال‌های اخیر به دلیل عدم آشنایی با زبان فارسی در دستگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسی رژیم صهیونیستی از جمله امان به وجود آمده رفع کنند.»

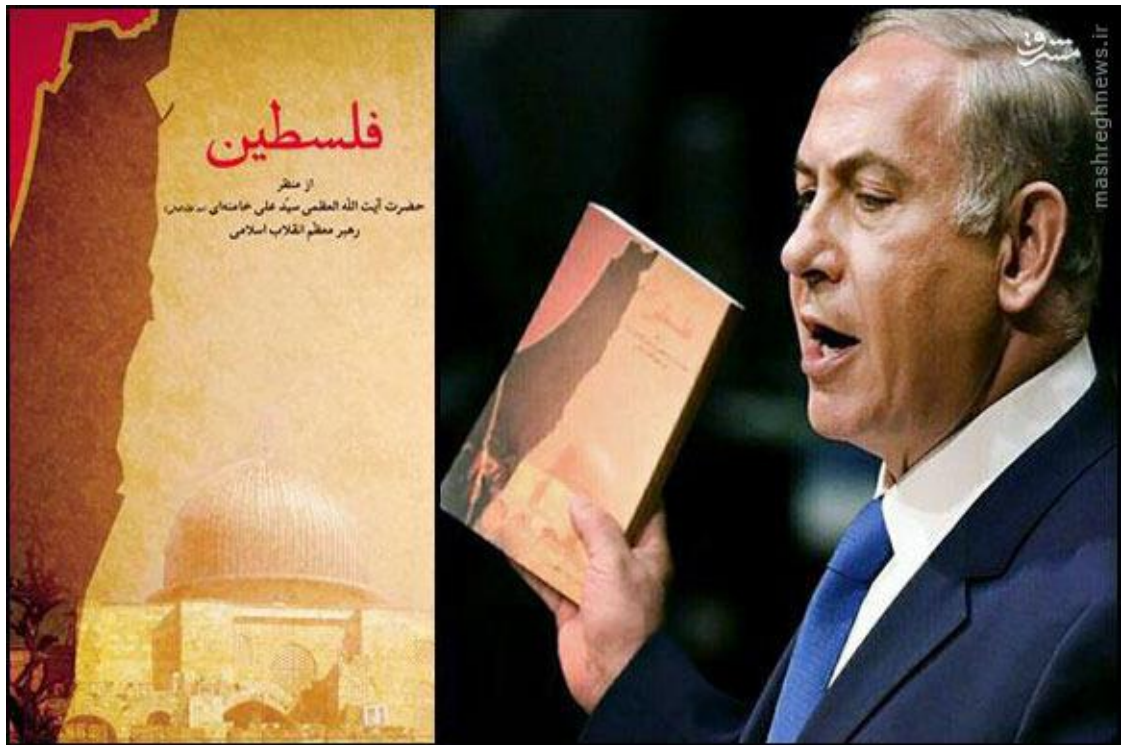
البته قطعاً آموزش زبان فارسی در مقطع ابتدایی در مدارس اسرائیل، تنها به قصد تربیت جاسوس نیست چون این رژیم به حد کافی پیروان فرقه ی ضاله ی بهائیت که از اغلب شهرهای ایران به دامن اسرائیل گریخته اند را در اختیار دارد و در زمینه ی جاسوسی نیاز به تربیت جاسوس آن هم از مقطع ابتدایی ندارد!

راستی نظرتان در مورد این حرکت شتابزده ی بنیامین نتانیاهو- نخست وزیر اسرائیل - در سازمان ملل چیست؟

بنیامین نتانیاهو در تاریخ ۹ مهرماه ۱۳۹۴ در سخنرانی مجمع عمومی سازمان ملل به جای نقاشی‌هایی که سال‌های گذشته همراه خودش می‌آورد؛ کتابی را به همراه داشت تا نگاه ایران را نسبت به فلسطین نشان دهد.

ریشه وحشت صهیونیست‌ها از ایران و دست و پا زدن آنها برای دشمن تراشی و ایران هراسی در نگاه ناب مقام معظم رهبری مدظله العالی نسبت به مسئله فلسطین نهفته است که در کتابی که نتانیاهو معرفی کرده به وضوح مشخص است.

نتانیاهو کتاب «فلسطین از منظر آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای مدظله العالی» که شامل مرور بیانات مقام معظم رهبری در هشت بخش کلیات، شکست‌ها و پیروزی‌ها، مسؤولیت‌ها، جنایات، راه حل‌ها، قهرمانان، روشنگری و آینده‌ی روشن است را به همراه داشت، تا به دنیا بقبولاند ایران در صدد نابودی اسرائیل است.



www.MJavani.ir

دلایل فقهی ضرورت حمله نظامی ایران به اسرائیل

امیرالمومنین در خطبه ۲۷ نهج البلاغه می فرمایند: آگاه باشید من شب و روز، پنهان و آشکارا شما را به مبارزه این جمعیت (معاویه و پیروانش) دعوت کردم و گفتم پیش از آنکه با شما بجنگند با آنان نبرد کنید. به خدا قسم هیچ ملّتی در خانه اش مورد حمله قرار نگرفت مگر اینکه دلیل شد.

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره ۱۹۰) وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُم ۚ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ۚ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ ۚ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ ۚ كَذٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (بقره ۱۹۱)

با کسانی که با شما آغاز کارزار می کنند در راه خدا کارزار کنید، ولی ستمکار [و آغازگر] نباشید، چرا که خداوند ستمکاران را دوست ندارد (بقره ۱۹۰) و هر جا که بر آنان دست یافتید بکشیدشان و آنان را از همانجا که شما را رانده اند برانید، و فتنه شرک بدتر از قتل است، و در مسجدالحرام با آنان کارزار نکنید، مگر آنکه آنان در آنجا با شما کارزار کنند، و چون کارزار کردند بکشیدشان که سزای کافران چنین است (بقره ۱۹۱)

جهاد

جهاد در لغت از «جَهْد» به معنای مشقت و زحمت یا از «جُهْد» به معنای وسع و طاقت است و در اصطلاح تلاش و زحمت در راه خداست. جهاد در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی قابل تبیین است اما بکارگیری جهاد به تنهایی، جهاد نظامی را تبادر به ذهن می کند. جهاد نظامی به دو قسم ابتدایی و دفاعی تقسیم شده است.

جهاد ابتدایی

جهاد ابتدایی یکی از انواع جهاد است و تنها هنگامی موضوعیت پیدا می کند که کفار و مشرکان در برابر تبلیغ اسلام توسط مسلمین دست به اسلحه ببرند و در غیر اینصورت موضوع جهاد ابتدایی خود بخود منتفی می شود، از این رو از این نوع جهاد به جهاد عقیدتی نیز تعبیر شده است که برخی از غزوات پیامبر اسلام (ص) در زمره جهاد ابتدایی قرار دارد.

در حقیقت فلسفه جهاد ابتدایی مبارزه با کسانی است که با انتشار اسلام مبارزه می کنند و هدف آن رها کردن مردم از قید اسارت و بردگی فکری و اجتماعی و هدایت به اسلام است و بر خلاف برخی اقوال و تبلیغات سو این

نوع از جهاد ارتباطی با کشورگشایی و گسترش اجباری اسلام ندارد بلکه برای واژگون کردن نظامات غلط و ظالمانه و دادن امکان مطالعه و بررسی آزادانه اسلام به مردم می باشد و هدف آن دفاع از توحید و دین الهی به عنوان یک حق فطری انسانی است.

جهاد ابتدایی لزوماً نیازی به اذن معصوم ندارد

در خصوص امکان انجام جهاد ابتدایی در زمان غیبت امام معصوم و بدون اذن ایشان اختلافاتی بین فقها وجود دارد و برخی از فقها حضور معصوم یا منصوب امام معصوم را از الزامات جهاد ابتدایی می دانند و از طرف دیگر گروهی دیگر از فقها به لزوم حضور معصوم یا منصوب ایشان برای جهاد ابتدایی قایل نبوده و دستور فقیه جامع الشرایط را برای جهاد ابتدایی کافی می دانند.

از جمله فقهایی که قایل به جواز انجام جهاد ابتدایی در زمان غیبت بدون اذن امام معصوم و بر اساس فرمان فقیه جامع الشرایط هستند می توان به بزرگانی مانند شیخ مفید، شیخ ابوالصلاح تقی ابن نجم الدین حلبی از شاگردان سید مرتضی و شیخ طوسی و شیخ سلار ابن عبدالعزیز دیلمی اشاره کرد.

حتی فقیه بزرگوار صاحب جواهر که در باب عدم جواز جهاد ابتدایی در زمان غیبت قایل به وجود اجماع بین فقها است در نهایت می فرماید: ممکن است ما در این اجماع خدشه کنیم که در زمان غیبت امام معصوم ولایت فقیه عمومیت دارد و در برگیرنده مورد جهاد هم هست، چنان که عموم ادله جهاد هم این را تایید می کند. در همین زمینه امام خامنه ای نیز در پاسخ به استفتایی در خصوص امکان انجام جهاد ابتدایی به فرمان فقیه جامع الشرایط و در زمان غیبت امام معصوم فرموده اند: «بعید نیست که حکم به جهاد ابتدایی توسط فقیه جامع الشرایطی که متصدی ولایت امر مسلمین است، در صورتی که مصلحت آن را اقتضا کند، جایز باشد، بلکه این نظر اقوی است.»

جهاد دفاعی

جهاد دفاعی نوع دیگر جهاد است که طی آن مسلمانان باید با دشمن مهاجمی که اساس و کیان اسلام را تهدید می کند و منافع مسلمین را به مخاطره انداخته است پیکار کرده و از اسلام و سرزمینهای اسلامی در برابر تهاجم دشمن که با هدف استیلا بر سرزمینهای اسلامی و ناموس و اموال مسلمانان و یا کشتن گروهی از مسلمانان طراحی شده است دفاع کنند.

امیرالمومنین نیز در همین باره در خطبه ۲۷ نهج البلاغه می فرمایند: آگاه باشید من شب و روز، پنهان و آشکارا شما را به مبارزه این جمعیت (معاویه و پیروانش) دعوت کردم و گفتم پیش از آنکه با شما بجنگند با آنان نبرد کنید. به خدا قسم هیچ ملّتی در خانه اش مورد حمله قرار نگرفت مگر اینکه دلیل شد.

به گفته مفسرین بر اساس فرمایش حضرت علی (علیه السلام) شروع به جنگ با دشمنانی که جنگیدن آنان با مسلمانان نزدیک است و حمله قریب الوقوع آنان به مسلمین قطعیت یافته واجب است که البته این جهاد با توجه به تعریف جهاد ابتدایی جز انواع آن قرار نمی گیرد.

حمله نظامی ایران به اسرائیل مصداق جهاد ابتدایی نیست.

با توجه به تعاریف ذکر شده از انواع جهاد و استناد به مفاهیم جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی، حمله نظامی ایران به اسرائیل بر اساس دلایلی که ذیلا بیان خواهد شد از مصادیق جهاد ابتدایی نیست و جهاد دفاعی بشمار می رود، هر چند اگر آن را جهاد ابتدایی نیز بشمار آوریم مطابق با نظر بعضی از فقها و ولی فقیه حاضر که به آن اشاره شد در زمان غیبت و با اذن و فرمان ولی فقیه جامع الشرایط نیز می توان به انجام آن مبادرت کرد.

۱ - دفع هجوم اسرائیل به بلاد مسلمین

چنانکه گفته شد، هدف جهاد دفاعی دفع هجوم دشمنان به اسلام و مسلمین است و برخلاف جهاد ابتدایی که هدفش دعوت مشرکان به اسلام است و جز واجبات کفایی محسوب می شود، جهاد دفاعی واجب عینی است.

در همین خصوص امام خمینی(ره) در مساله ۲۸۲۶ توضیح المسائل می فرمایند:

«اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست.»

نکته بسیار مهم در مورد تقسیمات مردم دنیا و ملتها برگرفته از آیات و روایات این است که در اسلام تقسیمات سیاسی کشورها و مرزهای موجود بین واحد های سیاسی موضوعیت ندارد و آنچه که حائز اهمیت است تقسیم ملل و سرزمینها بر اساس اعتقادات و ادیان به دو گروه کلی بلاد مسلمین و بلاد کفار است. در این صورت کل مسلمین و کشورهای اسلامی یک پیکر واحد بشمار رفته و دفاع از تمامیت ارضی مسلمانان در تمام دنیا بر تمام مسلمانان دنیا واجب است و هرگونه تعرض به بخشی از خاک یک ملت مسلمان به منزله تعرض و تجاوز به تمام مسلمانان تلقی شده و دفاع از مسلمان مظلوم بر دیگر مسلمانان ساکن در اقصی نقاط دنیا بر اساس احکام جهاد دفاعی واجب است.

حال با در نظر گرفتن تعرض و تجاوز دولت جعلی اسرائیل به سرزمین فلسطین به عنوان بخشی از بلاد اسلامی و در برگیرنده قبله اول مسلمین، دفاع از مسلمانان فلسطین و از این بخش مقدس از بلاد اسلامی به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد واجب است که در این حالت حتی احتیاجی به اذن حاکم شرع هم نیست.

۲- مقابله با استیلای اسرائیل بر مسلمین

صرف نظر از تعرض اسرائیل به سرزمین فلسطین و مسلمانان آن دیار چنانکه واضح است و سران این رژیم هیچگاه منکر آن نشده اند این رژیم جعلی سودای تسلط بر سایر سرزمینهای اسلامی همجوار را در سر می پروراند و در این راه هر روز در حال تدارک و زمینه چینی این تسلط از راههای مختلف است.

در همین خصوص امام خمینی در مساله ۲۸۲۷ توضیح المسائل می فرمایند:
«اگر مسلمانان بترسند که اجانب نقشه استیلا بر بلاد مسلمین را کشیده‌اند چه بدون واسطه یا به واسطه عمال خود از خارج یا داخل واجب است دفاع از ممالک اسلامی کنند به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد.»

همچنین آن حضرت در تحریر الوسیله «خوف تسلط سیاسی» دشمن کافر بر حوزه اسلام و شهرهای آن را موجب واجب شدن دفاع می دانند.

هدف از جهاد ابتدایی؛ حمله به غیر مسلمانان برای مسلمان کردن آنان ذکر شده در حالی که هدف از حمله نظامی ایران به اسرائیل به دلیلی که نقشه استیلا بر بلاد مسلمین را کشیده و تا آنرا اجرا کرده است اولاً برای دفاع از مسلمانان فلسطین و ثانیاً دفع ضرر احتمالی گسترش این تعرض است.

از این رو و با توجه به نکات مذکور در باب جهاد ابتدایی و توسعه طلبی رژیم صهیونیستی و ضرر قطعی این رژیم جعلی برای اسلام و بلاد اسلامی حمله به اسرائیل از باب جهاد دفاعی بر تمام مسلمانان دنیا واجب عینی می باشد.

۳- خوف از تسلط اسرائیل بر ممالک اسلامی

امام خمینی(ره) همواره مسلمانان را دعوت به هوشیاری می کردند و از تسلط اجانب بر مسلمین انذار داده اند. ایشان در مسأله ۲۸۲۸ می فرمایند:

« اگر در داخل ممالک اسلامی نقشه‌هایی از طرف اجانب کشیده شده باشد که خوف آن باشد که تسلط بر ممالک اسلامی پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان که با هر وسیله‌ای که ممکن است، نقشه آنها را به هم بزنند،

و جلوگیری از توسعه نفوذ آنها کنند.»

در جهاد ابتدایی حمله به «بلاد» غیر مسلمانان آمده است در حالی که اسرائیل فاقد بلاد و سرزمین است و در سرزمین اشغال شده فلسطین به سر می برد. اسرائیل در خاک مردم مسلمان فلسطین به مثابه غده سرطانی است که داخل یک مملکت اسلامی نقشه‌هایی کشیده است و خوف آن می رود که تسلط بر ممالک اسلامی پیدا کنند لذا واجب است بر مسلمانان که با هر وسیله‌ای که ممکن است، نقشه آنها را به هم بزنند، و جلوگیری از توسعه نفوذ اسرائیل کنند.

اسرائیل تنها کشور عمدتاً یهودی در جهان است بر پایه آخرین سرشماری، سازمان مرکزی آمار اسرائیل، این کشور در حدود هفت میلیون و ۵۰۰ هزار تن جمعیت داشته‌است که در حدود پنج میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از ساختار جمعیتی آن را یهودیان تشکیل داده‌اند. و مابقی ساختار جمعیتی از مسلمان‌ها، مسیحیان، دروزها و سامریون تشکیل شده‌است. هم‌چنین بزرگ‌ترین بخش از اقلیت‌های قومی را شهروندان موسوم به عرب اسرائیلی تشکیل می‌دهند.

از شرقی‌ترین نقطه ایران تا غربی‌ترین نقطه اسرائیل حدود ۲۶۰۰ کیلومتر می‌باشد. اهداف استراتژیک در عمق خاک اسرائیل با موشک‌های متعارف ایران قابل دسترسی است.

www.MJavani.ir